

مفهوم وطن در اشعار "نسیم شمال"

بدر احمد علیوه *

چکیده :

این مقاله به بحث و بررسی گرایشهای وطنخواهی و وطن پرستی در دیوان نسیم شمال "سید اشرف الدین گیلانی" می‌پردازد. چرا که این شاعر آزاده یکی از شاعران میهن‌دوست و آزادخواه دوره مشروطیت به شمار می‌رود، و دیوان وی آینه‌ای است که در آن رنگ و بوی ادبیات پرشور دوره مشروطیت و دگرگونی ساخت و محتوا در ادبیات فارسی این دوره انعکاس دارد، و در آن به خوبی نماینده شده است که چگونه ادبیات در خدمت به آرمانهای مردمی درآمده است، و از برج عاجی که در آن دربند بوده پایین آمده است، و به دردهای جامعه و آرمانهای ملی و وطنی روی آورده است.

واژگان کلیدی: نسیم شمال، شعر، مشروطیت، وطن‌پرستی، وطن.

ملخص

تتناول هذه الدراسة مفهوم حب الوطن و النزعات الوطنية في ديوان الشاعر الإيراني سيد أشرف الدين الكيلاني المعروف بـ "نسيم الشمال"، و الذي يعد رائداً من رواد الفترة التاريخية الممثلة بالعهد (الدستوري)؛ إذ تجلّى هذا المفهوم و هذه النزعة في ديوانه ضمن جمالية بنائية، و رؤى مضمونية إيديولوجية معبرة عن وجهات نظره إزاء الواقع السياسي و الاجتماعي الذي كان يعيشه الشعب الإيراني في تلك الفترة، فقد عمل الشاعر في ديوانه على المناداة بالحرية و العدالة الاجتماعية و الانتماء الصادق للوطن، و نقض تشوهات الواقع بداية لإصلاحه و من ثم إعادة ترتيبه ليصير ديوانه أشبه ما يكون بمرآة عكست رونق و أدب هذه الفترة المتجسم بتجديد آخر في الأدب من حيث أطره التقليدية ليترك أغراضاً جديدة تعنى بالأم المجتمع و أهدافه الوطنية.

الكلمات المفتاحية: نسيم الشمال، الشعر، العهد الدستوري، حب الوطن، الوطن.

© جميع الحقوق محفوظة لجمعية كليات الآداب في الجامعات الأعضاء في اتحاد الجامعات العربية 2013.

* گروه زبان‌های سامی و شرقی دانشکده ادبیات _ دانشگاه یروموک، ایرد، الأردن.

* قسم اللغات السامية و الشرقية، جامعة اليرموک، ایرد، الأردن.

مقدمه :

پیش از اینکه وارد بحث شویم می‌بایست درباره منشأ واژه "مشروطه"¹ صحبت کنیم. در تعریف مشروطه گفته شده است که این لغت از "شارت" فرنگی به معنای (قرارداد) و (فرمان) گرفته شده است. درحالی‌که در مشرق‌زمین لفظ مشروطه و اصطلاح قانون اساسی و شکل حکومت از مملکت عثمانی به ایران آمده و از آنجا اقتباس شده است.² اما درباره اوضاع دوره مشروطه که در واقع مایه ادبیات این دوره است، بدیهی است زمانی- که اوضاع و شرایط سیاسی حاکم در هر کشوری بیدادگر و ظالم باشد مردم این کشور را بر آن می‌دارد که بر علیه سیستم حکومت قیام کنند. این در واقع همان چیزی است که در ایران رخ داده بود.

دوره سلطنت ناصر الدین شاه³ یکی از بدترین دوره- های سیاسی معاصر ایران به شمار می‌رفت. گذشته از فروش منابع ملی کشور به بیگانگان (روسیه و انگلیس)، رشوه و اغتشاش در امور مالی، مفاسد و تبهکاری‌ها چیزی دیگر را به مردم عرضه نمی‌داشت. از این رو مردم متوجه اوضاع وخیم کشور شدند و سرانجام از خود شاه و سلطنت ملول گشتند. درپی آن عوامل مساعدی چون تأسیس دار الفنون، ایجاد روزنامه و رواج اندیشه آزادیخواهانه پدید آمد که هر کدام به نوبت خود نقش بسزایی در بیداری گروهی از چاپگران با استعداد و فعال ایفا می- کرد. آنان بر لزوم اصلاحات و برقراری عدل و قانون مصمم شدند، از سویی دیگر شخصیت‌های برجسته‌ای پدیدار گشت مانند: ملکم خان⁴، آقاخان کرمانی⁵ و اشخاص دیگر در داخل و خارج از کشور که سعی داشتند با سخنان و نوشته‌های خود که دارای خن مؤثر و زننده بود برای مردم بنویسند و بگویند و آنها را از این اوضاع آشفته مطلع سازند.⁶

چنانکه قبلاً اشاره رفته است فروش منابع ملی و دادن امتیازات از سوی ناصر الدین شاه به بیگانگان و وام- گیری مداوم، ایران را زیر فشار شدیدی قرار داده بود، امری که شاه را مجبور می‌کرد دست خود را برای تأمین نیازهای کشور به سوی بیگانگان دراز کند. البته انگلیس و روس این فرصت را غنیمت شمردند و خواستار امتیازات بیشتری شدند، و نمی‌گذاشتند از سلطنت دست

بکشد چونکه تنها کسی که می‌توانست به آنها امتیازاتی بدهد ناصر الدین شاه بود. در داخل کشور اندک مردان شایسته و چیرگی بی‌حد روحانیون نمی‌گذاشت او دست به کارهایی بزند که علیه مصالح ملی باشد. و کار شاه تنها این بود که به مسافرت و شکار برود و مشغول تن-پروری بماند، این همه ستمگری و بی‌عدالتی و بی‌توجهی شاه باعث شد یکی از شاگردان سید جمال الدین به نام میرزا کرمانی اقدام به کشتنش کند.⁷ و انقلاب مشروطه آغاز گردد.

پیداست که ادبیات "محصول شرایط سیاسی و اجتماعی هر جامعه است"⁸ به عبارت دیگر ادبیات هر جامعه تصویری است از همان جامعه است و اگر بخواهیم این تصویر را از یک جامعه‌ای در یک دوره زمانی به دست آوریم ناگزیر هستیم ادبیات این جامعه را در همین دوره با دقت و تأمل بخوانیم تا این تصویر در ذهنیت ما مجسم شود. روی هم رفته می‌توان گفت که شرایط دوره حاکم یکی از عناصر تأثیرگذار بر ادبیات هر دوره‌ای به شمار می‌رود. بنابراین انقلاب مشروطه که در ایران رخ داده بود، تحولات بسیار شگرف و همه‌جانبه‌ای در زندگی ایرانیان در پی داشته است. و اکنون که بحث من راجع به ادبیات، به ویژه شعر است، می‌بینیم که این انقلاب شاعران پرتوان و با استعدادی را به جامعه ارزانی داشت، و همین شاعران توانستند قدم در عرصه ادبیات بگذارند و چونکه شاعران میهن‌دوست و وطن‌پرست بودند می‌کوشیدند اوضاع کشور را از ابعاد گوناگون و با زبان ساده و جامعه‌پسند به هموطنان خویش بازگو نمایند.

سرچشمه ادبیات مشروطه به سی سال اخیر حکومت ناصر الدین شاه برمی‌گردد، همین ادبیات بود که از سویی کمک‌های فراوانی را به ایرانیان برای به دست آوری یک حکومت قانونمند کرده بود، زیرا که آنان جز ستمگری، استبداد و بی‌عدالتی از آن دوره ندیدند، و از سویی دیگر این ادبیات توانسته بود ایرانیان را با مفهوم آزادی که در مغرب‌زمین رایج بود آشنا کند، مفهومی که به وسیله شاعران و نویسندگان ایرانی که با مغرب‌زمین آشنایی داشتند در ایران رواج پیدا کرده بود.⁹

گفتنی است ادبیات مشروطه با همان اوضاع آشفته و نابسامانی که داشت زبان ویژه‌ای می‌طلبید، از این رو

شاعران تلاش می‌کردند زبانی برگزینند که مورد قبول همگی واقع شود، چراکه همه مخاطبان و خوانندگان اشعارشان آدمهای تحصیل‌کرده و باسواد نبودند و معتقد بودند که زبان ابزاری است برای برقراری ارتباط مستقیم با مردم در راه مبارزات مشروطه‌خواهی. به عبارت دیگر "زبان نقش بسزایی در پیشبرد هدفهای سیاسی و اجتماعی آن دوره ایفا می‌کرد".¹⁰ پس چه زبانی باید برگزید؟ و چه نوع اشعاری باید عرضه کرد؟ و در چه قوالبی باید این اشعار را ریخت؟

ویژگی‌های زبان شعر دوره مشروطه مانند زبان شعری هر مرحله‌ای دیگر بود، ویژگی‌های به‌خصوصی داشت زیرا که شاعرانی _ مانند نسیم شمال _ از میان مردم برخاستند و برای مردم شعر می‌گفتند و با آنها زندگی می‌کردند و بر احوال و اوضاع مردم وقوف کاملی داشتند، پس زبانی که بایستی برمی‌گزیدند زبان مردمی باشد، به عبارت دیگر شعر این مرحله شعری "مردمی" است نه شعر محفلی؛ "مردمی" یعنی به کوچه و بازار تعلق دارد که همگی می‌توانند آن را به آسانی خوانده مضمونش را زود بفهمند، و از پیچیدگی‌های زبان فخر فروشان و مداحان دروغین تهی باشد، زیرا " مردم چندان دربند رعایت موازین دستوری و قواعد نگارشی نبودند".¹¹

زندگی و احوال

اشرف الدین یا شیخ شمس الدین پسر سید احمد قزوینی (1287_ 1352 هـ.ش) در همان سالی که به سال «جماعه» معروف بود در شهر قزوین دیده به جهان گشوده بود.¹² در شش سالگی پدرش را از دست داده بود و چون مال و منال او را غصب کردند دچار تنگدستی و نداری گردید.¹³ وی که از میان توده‌های مردم برخاست و از اوضاع آشفته و ناآرام کشور باخبر بود، نه ماه قبل از اینکه محمد علی شاه مجلس ملی را بمباران کند و همه آرزوها و خواسته‌های مردم را به هدر دهد، روزنامه فکاهی ادبی با نام (نسیم شمال) که خود سردبیر و مالک آن بود در شهر رشت منتشر کرد. این روزنامه فعالیت‌های خود را تا قبل از انحلال مجلس ادامه داشت و طرفداران زیادی را از همه اقشار به خود جلب کرد. آنچه در آن چاپ و منشر

می‌شد باعث نگرانی دولت‌های وقت شده بود بطوریکه هیچ روزی نمی‌گذشت مگر اینکه در شهر تهران غوغایی بر پا کند، در نتیجه برای مدتی کوتاه متوقف شد ولی در سال 1327 دوباره انتشار یافت.¹⁴

محبوبیتی که شاعر به دست آورده ناشی است از طبیعت و خویی که داشت. وی طرفدار و مدافع طبقات زحمتکش و ستمدیده بود، و به خاطر این، محبوبترین و مشهورترین شاعر ملی دوران انقلاب مشروطه گشت، گویا تمام زندگی خود را تنها گذرانیده هیچ وقت به فکر زن داشتن نیفتاده بود، سرانجام با بیماری مبتلا شد چنانکه شایع بود به بیماری دیوانگی دچار گردید و به خاطر همین، او را به تیمارستان بردند و چند سالی در بیماری و تنگدستی گذراند تا اینکه دار فانی را وداع گفت.¹⁵

نسیم پیش از اینکه درگذرد آثاری پر مغز و استخوان را به ارث گذاشته بود، همگی آنها را می‌خوانند و لذت مخصوصی از آنها می‌برند، و برعکس آنچه برخی مؤرخان ادبیات مانند یحیی آرین‌پور و یاحقی می‌گویند که آثار وی ارزش ادبی چندانی نداشت و فاقد انسجام هنری بود،¹⁶ به نظر من شعر وی از لحاظ مفهوم امروزی ادبیات ارزش ادبی مهمی دارد. امروزه مرز میان واژگان شعری و غیر شعری شکسته شد و دایرة وهم و خیال گسترده‌تر گشت و مفاهیم و مضامین تازه وارد ادبیات شد که در گذشته نظر شاعران کهن را جلب نمی‌کرد، مفهوم آزادی و مفاهیم مربوط به سیاست و «حب الوطن» از مفاهیم تازه‌ای که وارد شعر شد، و لابد به سراغ معیارهایی جدیدی برای سنجش این اشعار از لحاظ زیباشناسانه باید رفت، تا ارزش ادبی و زیباشناختی آن شناخته شود. به عنوان نمونه بر اساس نظریة هانس روبرت یاس¹⁷، منتقد آلمانی، (reception theory) که آن را در کتاب (Toward an Aesthetic of Reception) مطرح کرد، معنی و کیفیات زیباشناسانه متن ادبی محصول مشترک افق انتظارات خواننده (horizon of expectation) و تأییدات، ناامیدی‌ها و قاعده‌بندی‌های دوباره این انتظارات در برخورد با مختصات متن است. بنا براین می‌توان گفت که متن مشتمل بر توانش‌های (potentialities) معنایی و جمال‌شناسیک است که در طی اعصار به وسیله عکس العمل‌های نسل‌های خوانندگان آشکار می‌شود.¹⁸

بدیهی است که امروز فهم ما از اشعار گذشتگان ادبیات فارسی با فهم خوانندگان آن دوران تفاوت دارد، و دریافته‌های زیباشناختی ما از آن متون تغییر یافته است، در واقع تنها گذر زمان است که ارزش ادبی متون را تعیین می‌کند نه آرای شخصی. در واقع گذر زمان اهمیت ادبی و زیبایی مفاهیم و مضامین اشعار نسیم شمال را برای ما ثابت کرد.

در حقیقت مایه بقا و تداوم آثار وی، همین تأثیر-گذاری است که بر روحیه مردم ایران به خصوص در یک مقطع زمانی دارای افت و خیز بود. این آثار به ویژه دیوان علاوه بر پندها و اندرزها لذت خاصی را به خواننده بخشیده ابزارهای گوناگون را در راه عشق به وطن و خاک میهن به او نشان می‌دهد. از آثار وی بیست هزار بیتی است که نسیم آن را در روزنامه "نسیم" در دو جلد به نام‌های «نسیم شمال» و «باغ بهشت» در سال 1338 ه.ش به چاپ رساند، همچنین «گلزار ادبی» که شامل حکایاتی از داستان‌های ترجمه شده شعر شاعران فرانسه است همچون «لامارتین». «منظومه اشرفی» یکی دیگر از آثار این شاعر است، و عبارت است از تاریخ مقدماتی ایران و محتوای آن تاریخ ایران و مخاطبانش همان بچه‌های ساخوردده هستند.¹⁹

اهمیت قوالب شعری در شعر نسیم شمال

تردیدی نیست که رخدادهای تلخ و شیرین زندگی، اندیشه‌ها و عواطف دغدغه‌های پرشوری را در ذهن شاعر برمی‌انگیزد. همین احساسات در خیالش پرورش می‌شود و او را بر آن می‌دارد که آنها را در ذهن شنونده زنده کند. از این رو اگر بخواهیم اشعار نسیم شمال را از لحاظ محتوا و مضمون موشکافی کنیم در خواهیم یافت که این اشعار بیشتر برای "اغراض و مقاصد خاصی و بیداری مردم خواب‌آلود و غفلت‌زده کشور سروده بود".²⁰ به عبارت دیگر این مضامین بیشتر حالت انعکاسی برای آن مرحله از اوضاع کشور بود. در کل مضامین مردمی است که شاعر از مردم و به خاطر مردم گفته بود. اما مسأله عمده اینجا بود که از چه قوالبی باید استفاده کرد؟ شاعر با خود اندیشید که مضامین خاص لاجرم نیاز به

قالب‌های خاصی دارد، و در حقیقت نوآوری واقعی و نبوغ شاعر ما اینجا آشکار گردید.

دربارهٔ قوالب شعری که شاعران این دوره شعرهای خود را در آن می‌ریختند، باید گفت که بیشتر قوالبی تحریک‌کننده و برانگیزنده بود تا احساسات مردم را به هیجان در آورد، نسیم شمال بیشتر متمایل به "قالب‌های نوتر مثل مستزاد، مخمس، دوبیت‌های پیوسته و حتی ترانه و تصنیف"²¹ بود. در دیوان او قالب «مستزاد» بسآمد زیادی دارد تا جایی که می‌توان گفت به کارگیری این قالب یکی از ویژگی‌های عمدهٔ سبک شعر مشروطه به خصوص نسیم شمال است.²² به عقیدهٔ وی زمانی که شعر با آهنگ و ساز خاصی خوانده می‌شود نه تنها باعث تحریک خوانندگان می‌شود بلکه آنان را به حفظ چنین شعری کمک می‌کند، و اشعار وی چنانکه خواهیم دید نمونهٔ بارز چنین ویژگی است. نسیم شمال در یک مستزاد چنین می‌سراید:

گردیده وطن غرقه اندوه و محن وای

ای وای وطن وای

از خون جوانان که شده کشته در این راه

رنگین طبق ماه

خونین شده صحرا و تل و دشت و دامن

ای وای وطن وای

کو همت و غیرت و کو جوش و فتوت

کو جنبش ملت²³

چنانکه در مستزاد بالا می‌بینیم مقصود شاعر انگیختن جوانان و تحریک آنان و به جوش آوردن خون وطن‌پرستی در دل آنان بود. در تصویر وطن غرقه اندوه و مصیبت و خون علاوه بر گره خوردگی میان عاطفه و مضمون و تخیل در آن که موجب تأثیر در خوانندگان می‌شود، موسیقی شعری مخصوص این قالب نقش بسیار مهمی نیز دارد؛ آهنگ ضربی و تند این قالب بر خلاف آنچه بعضی می‌پندارند که از عوارض شعری است و چندان مهم نیست بر بسیار برانگیزنده است، علاوه بر آن، کیست که با یک بار یا دو بار شنیدن آن را حفظ نکند؟ نقش قافیه‌های آهنگین و معنی دار مانند (وای، ماه، راه) که درد و تحسر را می‌رساند و

همچنین قافیه‌های تشدیددار مانند (هَمَت، فتَوَت، مَلَت) که تصمیم شاعر را القا می‌کند در این گونه اشعار بسیار مؤثر و مهم است. نسیم شمال در جایی دیگر چنین می‌سراید:

تا چند نعره کشی که قانون خدا کـــو

گوش شنوا کو

آن کس که دهد گوش به عرض فقرا کو

گوش شنوا کو

.....

جوش علما و فـقـها و فـضـلا کو

گوش شنوا کو²⁴

در این مستزاد و در همه مستزادها، مخمّس‌ها و قوالب شعری دیگر نسیم می‌بینیم که وی طرز ترکیب کلمات و مفاد معنی هر کلمه و طرز تخیل و ادای آن تخیلات وابسته به تأثیر محیط و مقتضای دوران است و شاعر از بهترین قوالب شعری استفاده کرده است تا شعر را هرچه بیشتر به ذهن و زبان مردم نزدیک کند، در حقیقت موفقیت شاعر چیزی جز این نیست.

معنی وطن در شعر نسیم

انقلاب مشروطه تأثیرهای مثبتی را در ذهنیت شاعران این دوره به وجود آورده بود، بارزترین آنها در عرصه ادب "تغییر اغراض و کارکرد شعر"²⁵ بود. بدین معنی است که شعر از کلاسیک بودن خود که پیش از این مرحله بود و به ستایش و مدّاحی اختصاص می‌یافت، بیرون آمده است، نه تنها اغراض جدیدی در این دوره افزوده گشت، بلکه معنای برخی از مفاهیمی که در گذشته در یک چهارچوب مشخصی در شعر شاعران تکرار می‌شد، در این دوره کاملاً عوض شد، و شاعران، این مفاهیم را طبق شرایط حاکم به کار بردند، مانند مفهوم «وطن» که در اشعار کلاسیک به معنای «ضدّ غربت» به کار می‌رفت، ولی امروزه معنای سیاسی و اجتماعی و ملی‌گرایانه متفاوتی پیدا کرد.

همانا که وطن‌دوستی، ایران‌گرایی و ناسیونالیسم از درون‌مایه‌های خاص شعر فارسی است. و می‌توان آن را از

ویژگی‌های شعر معاصر دانست. در واقع این‌گونه مفاهیم از مقتضیات دوره معاصر به حساب می‌آید. مفهوم وطن که امروزه به کار می‌رود در شعر کلاسیک فارسی به این صورت به کار برده نشد، و در واقع مفاهیمی از قبیل «قبیله» و «قوم» رواج داشت. ولی در شعر دوره مشروطه «وطن» به مفهوم سیاسی و اجتماعی و ملی، مایه اساسی شعر بسیاری از شاعران گشت. وطن یعنی خون، مادر، جان، و تمام توصیفات دیگری که وابستگی و تعلق را القا می‌کند.

برای یک شاعری چون نسیم شمال وطن مفاهیم متعددی دارد، به عنوان نمونه وی در جایی می‌گوید:

ای جوانان وطن نونهالان وطن می‌رود جان وطن

موقع دادرسی است روز فـریاد رسی است

.....

این وطن مادر ماست بلکه تاج سر ماست بالش و بستر
ماست

وزرا ای وزرا تا به کی چون و چرا دشمن آمد به سرا²⁶

نسیم نه تنها توصیفی سطحی و خالی از احساسات از وطن ارائه می‌دهد، بلکه سخن او از وطن چنان با تار و پود جان او آمیخته است که وطن را به مادر تشبیه می‌کند، کسی که هیچوقت نمی‌توان از او دست کشید و فراموش کرد، و نمی‌توان وی را دچار بلایا و مصیبت‌ها دید و آرام نشست. وطن تاجی است بر سر که باعث افتخار است، و بستری که انسان در آغوش آن به آسایش می‌رسد. نسیم با غم و اندوه و دلسوزی به حال وطن چنین افسوس می‌خورد و مخاطبان خود را نیز غرقه اندوه می‌کند:

ای غرقه در هزار غم و ابتلا وطن

ای در دهان گرگ اجل مبتلا وطن

ای یوسف عزیز دیار بلا وطن

قربانیان تو همه گلگون‌قبا وطن

بی‌کس وطن غریب وطن بی‌نوا وطن

ای جنت معارف ویران شدی چرا

از رخت علم یکسره عریان شدی چرا
 در آتش جهالت بریان شدی چــــرا
 ای بی‌معین و مونس و بی اقربا وطن
 بی کس وطن غریب وطن بی‌نوا وطن²⁷

وطن یعنی «یوسف» مبتلا به توطئه‌ها و خیانت‌های اطرافیان و نزدیکان است، وطن یعنی «جنت» و بهشت روی زمینی که سرشار از علم و دانش و پر از دانشمندان و عالمان بود و جان به آسانی فدا و تقدیم آن می‌شود، اما امروز از تمام زیبایی‌های خود تهی گشت. (همچنین ر.ک کلیات ص: 68، 78، 79، 98، 129، 131، 144، 171، 183، 194، 200، 203، 216، 224، 273، 290، 293، 300، 305، 309، 312، 404، 408، 422، 451، 473، 502، 540، 546، 579، 595)

رابطه میان وطن‌دوستی و همدردی با هموطنان

لقب شاعر ملی به هرکسی به آسانی داده نمی‌شود مگر اینکه شاعر کارها و اقداماتی در حق هموطنان خود انجام بدهد، محبوبیت مردمی که نسیم شمال به دست آورده بود ناشی از همدردی و همدمی وی با فقیران و ناداران جامعه خود است.²⁸ او همواره طرفدار طبقات زحمتکش و ستم‌دیده بود و همیشه به فردای بهتر برای آنها می‌اندیشید و می‌کوشید تا این فردای بهتر را بسازد، از این رو در جای‌جای کلیات خود درباره فقیران و رنج دیدگان جامعه خود شعرهایی می‌سرود. هنگامی که درصد بالایی از مردم دچار تنگدستی و فقر شده‌اند و چیزی برای خوردن یا به قول معروف قوت لایموت پیدا نمی‌کردند و از شدت گرسنگی و سرما به لب مرگ و هلاکت می‌رسیدند، عواطف و احساسات در درون شاعر پرورش یافته آنها را بر زبان جاری می‌نمود، و نمی‌توانست آنها را حبس کند، و به عنوان همدردی با هموطنان خود آنها را به نظم در می‌آورد، زمانی که اوضاع و احوال هموطنان رو به وخامت می‌گذاشت و نمی‌توانستند با وجود آن اوضاع خود را سیر و گرم نگهدارند، قریحه شاعرانه خود را در قالب شعرهای گویا می‌ریخت و با هموطنان هم‌نوا می‌گشت، و چنین با لحنی زننده همدردی خود را اظهار می‌کرد:

آخ عجب سرماست امشب ای ننه
ما کـــــــــه می‌میریم در هذا السنه
تو نگفتی می‌کنم امشب آـــــــــلـــــــــو
تو نگفتی می‌خوریم امشب پـــــــــلـــــــــو
نه پلو دیدیم امشب نه آـــــــــلـــــــــو
سخت افتادیم اـــــــــــــــــــــــــدر منگنه
آخ عجب سرماست امشب ای ننه²⁹

نسیم تا جایی در همدردی با هموطنان پیش رفت که وی حاضر است از مال و ثروت خود در راه سعادت دیگران دست بکشد. این احساسات در دل او غلبه می‌یابد و چنین به شعر درمی‌آید:

اگر من مال و دولت داشتم انفاق می‌کردم
فقیران در این فصل زمستان شاد می‌کردم
یتیم و بیوه‌زن را راحت و دلشاد می‌کردم
زغال و خاکه می‌دادم بسی امداد می‌کردم
غنی می‌کردم از احسان فقیر و پیر و برنا را
اگر من مال و دولت داشتم انعام می‌دادم
برای هر گدایی نصف شب پیغام می‌دادم
در این فصل زمستان رخت بر ایتم می‌دادم
یکی را پول می‌دادم یکی را شام می‌دادم
یکی را پوستین تا دور سازد رنج سرما را³⁰

(همچنین ر.ک کلیات ص: 137، 117، 106، 102، 93، 139، 151، 141،
256، 242، 234، 182، 257، 275، 273، 281، 304، 315، 338، 391،
455، 457، 458، 496، 499، 506، 509، 510، 567)

وطن یعنی رسوا کردن خیانتکاران و وطن‌فروشان

نسیم شمال عشق به وطن و علاقه به استقلال آن را به گونه‌های مختلف بیان کرده بود، وی همیشه آن دسته از خیانتکاران و وطن‌فروشان را به باد استهزا گرفته ریشخند می‌کرد.³¹ از هر فرصتی که پیش می‌آمد بهره می‌جست

میل داری بنویسم وزرا بی‌باکند

بهر خونریزی ملت همگی چالاکند³⁴

و گاهی ملت را در خیانت شریک می‌بیند، آنها در غفلت به سر می‌برند و دچار عقبماندگی شدند، علما و فضلا بر نمی‌خیزند و جنبشی نمی‌کنند:

از سیل فتن شهر و وطن رو به خرابی

ما خفته و مدهوش چو مستان ز شرابی

می‌گفت به مرغان هوا آدم آبی

در شهر بود قحطی انسان قو قولی قو³⁵

گاهی نیز منافقان را خاین می‌داند و نفاق و دورویی آنان را چنین بیان می‌کند:

باز آی رقاص در این شهر بازیگر شدی

هر زمان ظاهر به شکل و صورت دیگر شدی

که سوار اسب گشتی که سوار خر شدی

حمله‌ور بر مسلمین با نیزه و خنجر شدی

بی‌حقیقت طعنه بر مسلم زدی کافر شدی

گاه گردیدی وزیر و گاه گردیدی دبیر

گاه گردیدی مشاور گاه گردیدی مشیر

در مجالس گاه قنبر گشتی و گاهی بشیر³⁶

(همچنین ر.ک کلیات ص: 73، 96، 108، 120، 130، 131، 134، 164، 212، 215، 216، 231، 242، 273، 284، 309، 312، 320، 345، 366، 393، 401، 423، 424، 440، 442، 451، 466، 470، 471)

وطن یعنی افتخار به گذشته وطن

از شاخصه‌های برجسته شعر عصر بیداری تحسّر نسبت به گذشته ایران در دوران‌های گذشته بوده است.³⁷ بدین معنی است که شاعران این دوره ضمن اشعار خود شعرهایی می‌آوردند که اشاره به داستان‌های پهلوانی و پهلوانان ایرانی پیشین دارد، این گونه شاعران انگار می‌خواستند به تعریض به ایرانیان بگویند ما از دیرباز مردان

غیور و میهن‌دوست داشتیم که جان خود را در خطر انداخته بودند تا این خاک محفوظ و مصون بماند. پس امروز ما چرا اینقدر بی‌غیرت و حمیت شده‌ایم و این خاک گرانقدر را گرامی نمی‌داریم. نسیم شمال از اینگونه شاعران بود. وی می‌گوید:

کو رستم و کو بهمن و کو کاوه و کاووس
کو فرّ فریدون و چه شد طنطنه طسوس
کو رستم و کو بهمن و کو کاوه و کاووس
دادند همه جان به دوصد حسرت و افسوس
آنها که تو دیدی همه رفتند آملّا
با چوب و چماق و قمه رفتند آملّا³⁸

همچنین:

کشور سیروس و دارا و سکندر باشد ایــــــن
مسکن اسفندیار و تـــــــوس و نوذر باشد این
مدفن خاقان و کیکاووس و قیصر باشد این
از چه رو ویرانه این سان‌زار و مضطر باشد این³⁹
(همچنین ر.ک کلیات ص: 74، 82، 87، 96، 181، 229، 230،
235، 248، 260، 301، 305، 309، 317، 451، 478، 534، 538)

خاتمه

از آنجا که انقلاب مشروطه تأثیرات بسزایی و همه جانبه را در جامعه ایران به وجود آورده بود، ادبیات سیاسی که زاییده اندیشه و افکار آزادی‌خواهان و وطن‌پرستان بود، از تأثیرات مثبت این انقلاب به دور نمانده است. پیدایش شخصیت‌های آزادی‌خواه که با گفتار و اندیشه مسلح و از توانایی شاعری برخوردار بودند و سعی داشتند از این راه شعرهای خود را در خدمت به آرمان‌ها و خواسته‌های مردمی موظف سازند تأثیری در سیر و تحول مضامین و شکل شعر در این دوره داشته‌اند، چرا که مایه این اشعار همان گرفتاری‌ها و دردهای جامعه دوره مشروطه بود و این شاعران به کمک پشتوانه فرهنگی خود و مفاهیم تازه زندگی که از غرب گرفته‌اند می‌توانستند شعر فارسی را از حالت گذشته خود بیرون آورده آن را در مسیر خدمت به مردم و دردهای آنان

درآورند. در حقیقت در دوره مشروطه آشکار شد که چگونه تغییرات سیاسی و اجتماعی بر شعر و ادب و تحول آن تأثیر می‌گذارد، و در واقع تنها پدیده مهم ادبیات ایران در طول هزار و صد سال همین تحولاتی که در شکل و مضمون رخ داده است و زمینه ظهور شعر نو با تمامی قوالب و مضامین آن گردید.

نسیم شمال که از برجسته‌ترین و محبوب‌ترین شاعران ملی عصر بیداری بود، توانایی گفتن اشعار ملی با لحنی مؤثر داشت، او مانند شاعران دیگر بود که اوضاع جامعه را خوب دریافت و تلاش می‌کرد معایب و تبهکاری‌های سیستم حاکم را به هر روشی که ممکن بود بر ملا کند. چون وی مردی وطن‌خواه بوده از ته دل می‌خواست روزی این سرزمین روشنایی ببیند و از همه خیانتکاران و وطن‌فروشان تهی گردد، از این رو از هر فرصت که پیش می‌آمد بهره می‌جست و آنها را مورد سرزنش و توبیخ قرار می‌داد، چون مخاطبان وی بیشتر از مردم کم سواد بودند سادگی زبان و وضوح در به‌کارگیری عبارات و ترکیبات از برجسته‌ترین ویژگی‌های شعر او به حساب می‌آید، و زیرکانه از قوالبی موسیقایی استفاده می‌کرد که باعث شد تا امروز شعر او میان ایرانیان باقی و زنده بماند.

The Concept of Patriotism in the Poetry of "Naseem Shomal"

Bader Olewah, *Department of Semitic and Oriental Languages, Yarmouk University, Irbid, Jordan.*

Abstract

This study addresses the concept of Patriotism and the patriotic feelings in the poetic collections of the Iranian poet , Sayid Ashraf AL-Deen Gilani, who is called " Naseem Shomal ". He is considered as one of the most important pioneers in the historical period represented by the constitution age. That concept appears in his collection in a well organized aesthetic unit reflecting ideological visions and expressing his attitudes to wards the socio-political circumstances which Iranian people lived during that period. In his collection, he called for freedom, social justices, and true devotion to country. He also, criticized several aspects of corruption which were prevalent in his time. He arranged his collection in a way that he made it like a mirror, reflecting the aesthetic value of the literature of his period. His writings shed light an new topics addressing social problems and national goals of his society.

Key words: Naseem Shomal, poetry, constitution age, Patriotism, motherland.

قدم البحث للنشر في 2011/4/27 وقبل في 2011/7/27

الهوامش

1. نوعی حکومتی که در آن وضع قوانین به عهده مجلسین (شورا) و (سنا) و دولت بجزی آن قوانین محسوب می-گردد. (فرهنگ معین)
2. مدنی، سید جلال الدین، تاریخ معاصر ایران، قم، انتشارات دفتر اسلامی، چاپ نهم، 1378، ج1، ص108.
3. ناصر الدین شاه: (1247_1313 هـ.ق) پسر محمد شاه قاجار و چهارمین پادشاه قاجاریه. پس از وفات پدر، محمد شاه، در تبری به جای پدر نشست و حدود پنجاه سال سلطنت کرد. در روز جمعه 17 ذو القعدة سال 1313 هـ.ق به دست میرزا کرمانی کشته شد. (فرهنگ معین)
4. ملوک خان: (1249_1326 هـ.ق) پرنس میرزا ملوک خان ناظم الملک، از راجفه حلفای اصفهان و پسر میرزا یعقوب ارمنی حلفای. (فرهنگ معین)

5. میرزا آقاخان کرمانی: از تعلیم یافتگان و مریدان سید جمال اسد آبادی. مردی آزادبخواه و مبارز و از پیشقدمان انقلاب مشروطیت بود. جان را بر سر عقیده ثابت خود از دست داد. (فرهنگ معین)
6. زرین کوب، عبدالحسین، نقد ادبی، تهران، امیر کبیر، چاپ هفتم، ج 2، 1382، ص 635.
7. آراین پور، یحیی، از صبا تا نیما، تهران، انتشارات زوار، چاپ هفتم، ج 1، 1379، ص 225.
8. وفایی، عباسعلی، سفر در آینه: نقد و بررسی ادبیات معاصر، تهران، انتشارات سخن، چاپ اول، 1387، ص 454.
9. جرج موريسن و دیگران، تاریخ ادبیات ایران از آغاز تا امروز، ترجمه یعقوب آژند، تهران، انتشارات گستره، چاپ اول، 1380، ص 447_448.
10. پناهی سمنانی، محمد احمد، ترانه و ترانه سرایی در ایران، تهران، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، 1376، ص 466.
11. قافله باشی، اسماعیل، پژوهشی در سبک‌های شعر فارسی، قزوین، انتشارات حدیث امروز، چاپ اول، 1380، ص 157.
12. فخرایی، ابراهیم، گیلان در قلمرو شعر و ادب، رشت، انتشارات طاعتی، چاپ دوم، 1377، ص 31.
13. نور محمدی، مهدی، عارف قزوینی نغمه سرایی ملی ایران، قزوین، انتشارات عبید زاکانی، چاپ اول، 1378، ص 106.
14. آراین پور، یحیی، همان، ج 2، ص 61.
15. همان، 64.
16. ر. ک (یاحقی، محمد جعفر، چون سبوی تشنه، ص 60. همچنین آراین پور، یحیی، از صبا تا نیما، ج 2، ص 77)
2. hans Robert jauss
3. Toward an aesthetic of reception, hans Robert jauss, translated by timothy bahti, minneapolis, university of Minneapolis press, 1982, p198.
19. گیلانی، اشرف الدین (نسیم شمال)، کلیات، به همت احمد اداره چی گیلانی، تهران، انتشارات نگاه، چاپ اول، 1375، ص 42، 43.
20. همان، ص 35.
21. یاحقی، محمد جعفر، چون سبوی تشنه، تهران، انتشارات جامی، چاپ سوم، 1375، ص 19.
22. قافله باشی، اسماعیل، همان، ص 156.
23. گیلانی، اشرف الدین (نسیم شمال)، کلیات، ص 176.
24. همان، ص 154.
25. زرفانی، سید مهدی، چشم انداز شعر معاصر فارسی، تهران، انتشارات ثالث، چاپ دوم، 1384، ص 65.

26. گیلانی، اشرف الدین (نسیم شمال)، کلیات، ص 162_163.
27. همان، ص 229_231.
28. یاحقی، محمد جعفر، تاریخ ادبیات ایران، تهران، انتشارات وزارت آموزش و پرورش، 1377، ص 295.
29. گیلانی، اشرف الدین (نسیم شمال)، کلیات، ص 110.
30. همان، ص 86.
31. حاکمی، اسماعیل، ادبیات معاصر ایران، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ پنجم، 1379، ص 32.
32. گیلانی، اشرف الدین (نسیم شمال)، کلیات، ص 73.
33. همان، ص 374.
34. همان، ص 285.
35. همان، ص 87.
36. همان، ص 275.
37. سپانلو، محمد علی، نویسندگان پیشرو ایران، تهران، انتشارات نگاه، چاپ پنجم، 1374، ص 49.
38. همان، ص 82.
39. همان، ص 519.

فهرست منابع و مآخذ

الف_ منابع فارسی:

- آرین‌پور، یحیی، از صبا تا نیما، تهران، انتشارات زوار، چاپ هفتم، ج 1، 1379.
- پناهی سمنانی، محمد احمد، ترانه و ترانه‌سرایی در ایران، تهران، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، 1376.
- حاکمی، اسماعیل، ادبیات معاصر ایران، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ پنجم، 1379.
- زرفانی، سید مهدی، چشم‌انداز شعر معاصر فارسی، تهران، انتشارات ثالث، چاپ دوم، 1384.

- زرین‌کوب، عبد الحسین، نقد ادبی، تهران، امیر کبیر، چاپ هفتم، ج2، 1382.
- سیانلو، محمد علی، نویسندگان پیشرو ایران، تهران، انتشارات نگاه، چاپ پنجم، 1374.
- فخرایی، ابراهیم، گیلان در قلمرو شعر و ادب، رشت، انتشارات طاعتی، چاپ دوم، 1377.
- قافله باشی، اسماعیل، پژوهشی در سبک‌های شعر فارسی، قزوین، انتشارات حدیث امروز، چاپ اول، 1380.
- گیلانی، اشرف الدین (نسیم شمال)، کلیات، به همت احمد اداره‌چی گیلانی، تهران، انتشارات نگاه، چاپ اول، 1375.
- مدنی، سید جلال الدین، تاریخ معاصر ایران، قم، انتشارات دفتر اسلامی، ج1، 1378.
- معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، امیر کبیر، 1375.
- موریسن، جرج و دیگران، ادبیات ایران از آغاز تا امروز، ترجمه یعقوب آژند، تهران، انتشارات گستره، چاپ اول، 1380.
- نور محمدی، مهدی، عارف قزوینی نغمه‌سرایی ملی ایران، قزوین، انتشارات عبید زاکانی، چاپ اول، 1378.
- وفایی، عباسعلی، سفر در آینده: نقد و بررسی ادبیات معاصر، تهران، انتشارات سخن، 1387.
- یاحقی، محمد جعفر، چون سبوی تشنه، تهران، انتشارات جامی، چاپ سوم، 1375.
- یاحقی، محمد جعفر، تاریخ ادبیات ایران، تهران، انتشارات وزارت آموزش و پرورش، 1377.

ب_ منابع لاتین:

- 1_ Toward an aesthetic of reception, hans Robert jauss, translated by timothy bahti, minneapolis, university of Minneapolis press, 1982.